

## تحلیلی بر اعتبارات امور اجتماعی و بخش بهزیستی و تأمین اجتماعی طی دو دهه اخیر (۸۱-۱۳۵۸)

ناصر حق جو\*

این مقاله به بررسی روند اعتبارات امور اجتماعی و همچنین بخش بهزیستی و تأمین اجتماعی در دو دهه اخیر پرداخته و تأثیر آن را بر «رفاه ملی» مورد ارزیابی قرار داده است. نویسنده با بررسی اعتبار امور اجتماعی و مقایسه آن با سایر امور نشان می‌دهد که روند اعتبارات امور اجتماعی طی سالهای بعد از انقلاب رشد قابل توجهی هم از حیث سهم و هم از نظر مقدار داشته است. در ادامه بحث، نویسنده سهم اعتبارات امور اجتماعی از تولید ناخالص داخلی را بررسی کرده و پس از آن با توجه به این که بخش بهزیستی و تأمین اجتماعی تنها بخشی از امور اجتماعی را تشکیل می‌دهد روند اعتبارات این بخش را تحلیل کرده است. نویسنده در پایان نتیجه گرفته که به رغم رشد فزاینده اعتبارات در شرایط کنونی سرانه اعتبار بهزیستی و تأمین اجتماعی هر فرد ایرانی از ۴ دلار فراتر نرفته که پاسخگوی نیاز شهروندان ایرانی به خدمات اجتماعی و بهزیستی نخواهد بود.

### مقدمه:

بهبود کیفیت سطح زندگی افراد در هر جامعه، هدف نهایی سیاست‌ها و برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی زمامداران و دولتمردان است. دسترسی به این هدف، به امکانات و منابع تولیدی و روش‌های بهره‌برداری از آنها از یکسو و روابط و مناسبات اقتصادی موجود از دیگر سو بستگی دارد.

تغییر در الگوهای برنامه‌های اقتصادی که تاکنون تأکید عمده آنها، تنها بر «رشد اقتصادی»

بوده است؛ نوعی تجدید نظر در الگوهای پیشین به شمار می‌رود. روی‌آوری به توسعه یکپارچه اقتصادی - اجتماعی و لحاظ نمودن ابعاد انسانی، اجتماعی و فرهنگی در برنامه‌های توسعه ملی از همین منظر مورد توجه قرار گرفته است. بر همین اساس، رویکرد شاخص‌های اجتماعی در برنامه‌ها که زمینه‌های تندرستی، رفاه اجتماعی، تأمین اجتماعی، آموزش، فرهنگ، تغذیه، توزیع درآمد و غیره را دربرمی‌گیرد، در کنار شاخص‌های اقتصادی (تولید ناخالص ملی، درآمد سرانه، سرمایه‌گذاری، اشتغال و غیره) اهمیت پیدا کرد و مقوله «سطح زندگی» و «رفاه نسبی» حتی برای اقتصاددانان و اندیشمندان توسعه مهم گردید.

در ایران نیز از برنامه چهارم عمرانی، توجه به ابعاد انسانی و اجتماعی توسعه پدید آمد و رفته رفته جای خود را باز کرد و رواج گرفت و در برنامه پنجم مقوله رفاه اجتماعی و بهبود شرایط زیستی مورد توجه واقع شد.

پس از فروپاشی نظام سلطنتی پهلوی و پی‌ریزی نظام جمهوری اسلامی مقوله «عدالت اجتماعی» و گسترش رفاه عمومی به مثابه اهداف آرمانی نظام نوپای اسلامی اهمیت فراوان پیدا کرد و در قانون اساسی و سیاست‌های کلان ملی، رفاه اجتماعی و اقتصادی اقشار تهیدست و کم‌توان مالی جزو اولویت‌های نظام محسوب شد.

بررسی وضعیت اعتبارات امور اجتماعی به طور عام و بخش بهزیستی و تأمین اجتماعی به طور خاص کمک خواهد کرد دریابیم روند حرکتی دو دهه گذشته تا چه حد وضعیت «رفاه ملی» را ارتقاء یا تنزل داده و سقف انتظارات و خواسته‌ها با عملکردها به چه میزان انطباق دارد.

### امور اجتماعی و روند تخصیص اعتبارات

نگاهی به منابع مالی بخش عمومی و کانون‌های تخصیص آن نشان می‌دهد امور عمومی، امور دفاعی، امور اقتصادی، و امور اجتماعی از اهمیت خاصی برخوردارند. در این بین امور اجتماعی با تنوع و تعدد گسترده‌ای رو به رو است؛ به طوری که ۱۳ زیربخش را در درون

خود جای داده است. گر چه زیربخش های تحت پوشش فراگیر و بسیار متنوع بوده، اما مضمونی کلی داشته و تا حدودی ناهمگن و غیر متجانس به نظر می رسد. در واقع، پاره ای از امور جنبه عمرانی داشته مانند «عمران و نوسازی روستاها» و «عمران شهرها»، «عملیات چند منظوره توسعه نواحی»، و «تأمین مسکن» و بعضی در حوزه آموزش و تحقیقات گنجانده می شوند که زیر بخش های «آموزش عالی»، «آموزش فنی و حرفه ای»، «آموزش و پرورش عمومی» و «تحقیقات» در زمره این گروه قرار می گیرند.

مقوله «تأمین اجتماعی و بهزیستی» و «بهداشت، درمان و تغذیه» تا حدودی هم ارتباط به شمار می روند و «فرهنگ و هنر»، «حفاظت محیط زیست» و «تربیت بدنی و امور جوانان» متنوع از یکدیگر هستند. در یک نگرش سیستمی و مجموعه نگر می توان ارتباطات و همبستگی زیر بخش ها را تعیین کرد و به اصطلاح نگرش خطی را نادیده گرفت اما در شرایط کنونی این تقسیم بندی از نظر تخصیص اعتبارات رواج دارد.

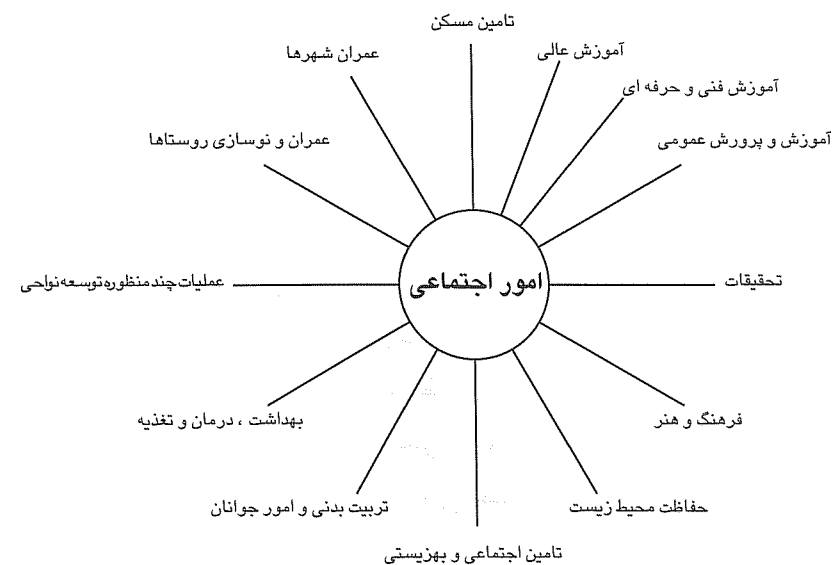
چنانچه مقوله شاخص های اجتماعی مدنظر باشد و بخواهیم مسائل اجتماعی را از نظر مقداری (کمی) مورد ارزیابی قرار دهیم و از اساس به ابعاد اجتماعی و شرایط زندگی بپردازیم شاخص های مورد نظر کشورهای توسعه یافته صنعتی عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی موسوم به (OECD) می تواند راهگشا باشد.<sup>(۱)</sup>

به بیان دیگر، کالبد شکافی ابعاد زندگی اجتماعی که مقوله «بهزیستی و رفاه اجتماعی» را به طور خاص مورد ملاحظه قرار می دهد، کمک خواهد کرد در «برنامه ریزی»، «سیاست گذاری» و «تخصیص منابع اعتباری» روشهای مطلوبی را پی ریزی کنیم. مؤلفه هایی که می توانند توجه برانگیز باشند به این شرح هستند:

۱- این شاخص ها در دهه هفتاد تدوین شده و معیاری برای سنجش سطح رفاه عمومی در نظر گرفته شده است.

### نمودار شماره (۱)

#### امور اجتماعی و زیر بخش تحت پوشش



#### ۱- بهداشت

- الف - احتمال زندگی سالم در طی مراحل مختلف زندگی؛
- ب - کیفیت خدمات درمانی و پوشش همگانی و توزیع متعادل آنها.

#### ۲- رشد فردی از راه آموزش و یادگیری

- الف - امکانات برای کسب و انباشت و گسترش معلومات و مهارت‌ها و ارزش‌های لازم جهت رشد و شکوفایی استعدادهای فرد و سازگاری وی با جامعه؛
- ب - وجود مؤسسات آموزشی در سطوح مختلف و میزان استفاده از آنها؛

پ - رضایت افراد از مؤسسات و فرآیندهای آموزشی در طی دوران یادگیری؛  
ت - نگهداری و زنده داشتن میراث فرهنگی جامعه به ویژه در ارتباط با اثرات مثبت آن در زندگی گروه‌های مختلف در جامعه.

### ۳- اشتغال و کیفیت زندگی در دوران کار

الف - وجود کار مولد برای کسانی که خواهان کار کردن هستند؛  
ب - کیفیت زندگی در دوران کار از نظر شرایط کار، درآمد و مزایا، ساعات کار و مدت تعطیلات با استفاده از حقوق؛  
پ - رضایت از جنبه‌های مختلف کار مانند شرایط کار، درآمد و مزایا، ساعات کار و مدت تعطیلات با استفاده از حقوق، روابط کارکنان با یکدیگر و میزان مشارکت آنها در تصمیم‌گیری، شیوه مدیریت و میزان استقلال و جالب بودن کار.

### ۴- گذران زمان و اوقات فراغت

الف - آزادی فرد در انتخاب چگونگی گذران اوقات زندگی خود؛  
ب - دسترسی به امکانات مختلف برای گذراندن اوقات فراغت و کیفیت آنها؛  
پ - داشتن اوقات آزاد برای تکامل استعدادهای شخصی، انجام وظایف خانوادگی و اجتماعی و مشارکت در امور اجتماعی.

### ۵- موقعیت فرد از نظر اقتصادی

الف - سطح و توزیع درآمد و ثروت؛  
ب - نسبت افرادی که از نظر مادی در محرومیت به سر می‌برند؛  
پ - موقعیت فرد در جامعه به عنوان مصرف کننده (دسترسی به اطلاعات لازم برای خرید یا مصرف کالاها و خدمات مختلف و مورد اعتماد بودن کیفیت آنها)؛  
ت - حمایت از افراد و خانواده‌ها در مواقع تغییرات نامطلوب در موقعیت اقتصادی آنها و احساس امنیت خاطری که اعضاء جامعه در این زمینه دارند.

## ۶- محیط فیزیکی زیست

الف - کیفیت محیط زیست ساخته شده از نظر شرایط واحدهای مسکونی، دسترسی به محل کار و خدمات مختلف و میزان آلودگی‌های آن؛  
ب - کیفیت محیط زیست طبیعی.

## ۷- محیط و روابط اجتماعی

بستگی‌ها و روابط اجتماعی با خویشان و نزدیکان و آشنایان دورتر.

## ۸- امنیت فردی نظام حقوقی و مراجع دادگستری

الف - میزان جرائم و بیم و اضطرابی که اعضاء جامعه از خطر وقوع آنها دارند؛  
ب - تساوی افراد در برابر قانون، آزادی محاکمه‌ها و دسترسی افراد به وکیل و مشاور حقوقی؛  
پ - میزان اطمینان و اعتماد مردم به نظام حقوقی و مراجع دادگستری.

## ۹- مشارکت و فرصت‌های اجتماعی

میزان نابرابری‌های اجتماعی، موقعیت گروه‌های مردم و وجود فرصت‌ها برای تحرک اجتماعی.

شاخص‌های اجتماعی برشمرده، کیفیت و کمیت سطح رفاه عمومی را تبیین خواهد کرد و معیار مناسبی برای سنجش و اندازه‌گیری وضعیت و موقعیت امور اجتماعی است. همانطور که در زیر شاخه‌های امور اجتماعی نمایان است (مطابق نمودار شماره ۱)، ضرورت تجدید سازماندهی امور اجتماعی و همزیستاری مؤلفه‌های همگن و ایجاد اصلاحات جدید الزامی به نظر می‌رسد تا بتوان زیر مجموعه‌های مناسبی برای امور اجتماعی که رابطه‌ای سازمانی و به هم پیوسته دارند، فراهم کرد.

بنابراین، ملاحظه شد که امور اجتماعی در ایران از سرفصل‌های هم زمینه برخوردار نیست و به همین سبب ابعاد آن از یکسو محدود بوده و از سویی ارتباطات بین بخشی و درونی آن در پاره‌ای از زمینه‌ها همگرا نمی‌باشد.

حال با این ضعف و مشکل موجود در بخش امور اجتماعی مروری بر اعتبارات آن خواهیم داشت. بر پایه داده‌های مندرج در جدول شماره یک، در سال نخستین استقرار نظام جمهوری اسلامی کل اعتبارات بالغ بر ۲۰۶۱/۱ میلیارد ریال بوده که در چهار زمینه امور اجتماعی (۵۶۲/۳ میلیارد ریال)، امور اقتصادی (۵۶۳/۲ میلیارد ریال)، امور عمومی (۱۸۵/۷ میلیارد ریال)، امور دفاعی (۳۱۴/۵ میلیارد ریال) توزیع شده است. به بیان دیگر، سهم اعتبارات امور اجتماعی از کل اعتبارات برابر ۲۷/۲ درصد و تقریباً معادل اعتبارات امور اقتصادی (۲۷/۳ درصد) بوده و سهم اعتبارات امور عمومی و دفاعی به ترتیب معادل ۹ و ۱۵/۲ درصد بوده است. در سال ۱۳۶۱ تغییراتی در ساختار تخصیص منابع رخ نداد؛ نخست اعتبارات امور اجتماعی اندکی کمتر و در همان سطح باقی ماند و سهم آن در کل اعتبارات ۲۶/۸ درصد بود و اعتبارات امور اقتصادی ۲۴/۹ درصد و اعتبارات امور عمومی و دفاعی نیز به ترتیب سهمی معادل ۱۲ و ۱۰/۵ درصد را تحت پوشش داشتند.

### جدول شماره (۱)

مقایسه اعتبارات امور اجتماعی با سایر امور طی دوره (۸۱-۱۳۵۸)

ارقام: میلیارد ریال

سال	کل اعتبارات	امور اجتماعی	امور اقتصادی	امور عمومی	امور دفاعی
۱۳۵۸	۲۰۶۱/۱	۵۶۲/۳	۵۶۳/۲	۱۸۵/۷	۳۱۴/۵
۱۳۶۱	۳۱۶۷/۴	۸۴۸/۵	۷۹۰/۸	۳۸۰/۸	۲۳۴/۵
۱۳۶۵	۳۴۶۵/۷	۱۵۱۸/۹	۵۹۷/۳	۳۱۵/۶	۴۷۰/۲
۱۳۷۰	۹۰۰۸/۱	۴۴۵۵/۶	۱۹۵۴/۳	۸۱۷/۶	۸۴۸/۷
۱۳۷۵	۵۹۷۴۳/۹	۲۶۵۱۰/۸	۱۲۱۰۸/۹	۴۸۴۶/۹	۴۶۱۶/۱
۱۳۷۷	۷۹۹۰۱/۴	۳۹۹۵۴/۰	۱۳۹۲۱/۱	۶۵۹۵/۹	۸۱۴۳/۳
۱۳۸۱	۱۰۴۷۳۸	۶۳۹۱۰	۴۰۱۱	۱۵۵۶۹	۲۱۲۴۸

مأخذ: سازمان برنامه و بودجه

توضیح: تفاوت سرجمع با اجزای آن به دلیل حذف سایر امور از کل اعتبارات می‌باشد.

در واقع، اعتبارات امور اجتماعی در مقایسه با سایر امور در رتبه نخست بود اما وزن آن در مجموع ساختار اعتبارات تخصیصی تغییر قابل ملاحظه‌ای پیدا نکرد. در سال ۱۳۶۵، حجم اعتبارات امور اجتماعی فزونی یافت و از  $۵۶۲/۳$  میلیارد ریال در سال ۱۳۵۸ به  $۱۵۱۸/۹$  میلیارد ریال رسید که بیش از  $۲/۵$  برابر می‌باشد. به بیان دیگر، بالغ بر  $۴۳/۸$  درصد اعتبارات بخش عمومی به امور اجتماعی اختصاص یافت، در حالی که سهم امور اقتصادی از  $۱۷/۲$  درصد در سال ۱۳۶۵ فراتر نرفت.

این روند در آغاز دهه هفتاد نیز ادامه پیدا کرد؛ اعتبارات امور اجتماعی با سهمی معادل  $۴۴۵۵/۶$  میلیارد ریال در سال ۱۳۷۰ به تنهایی معادل  $۴۹/۵$  درصد کل اعتبارات را به خود اختصاص داد و سهم سایر امور - اقتصادی، دفاعی، و عمومی - بر روی هم برابر  $۴۰/۲$  درصد را شامل شد.

بنابراین، ملاحظه می‌شود مقوله امور اجتماعی با توجه به گستردگی آن - مطابق نمودار شماره ۱- طی دو دهه اخیر سهم قابل ملاحظه‌ای از اعتبارات را به خود اختصاص داده است، کما این که در سال ۱۳۷۷ بالغ بر نیمی از اعتبارات به امور اجتماعی تعلق داشته و در سال ۱۳۸۱ بودجه کل بخش‌های حمایتی و خدمات اجتماعی کشور به  $۹۳۵۳۰$  میلیارد ریال فزونی یافته که تقریباً معادل  $۶۶$  درصد کل بودجه عمومی دولت در سال گذشته بوده است. [۲]

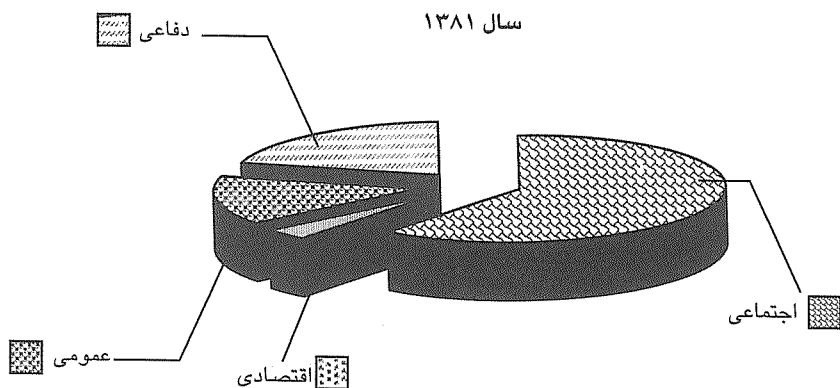
به این ترتیب، ارقام نشان می‌دهد که روند اعتبارات امور اجتماعی طی سال‌های بعد از انقلاب رشد یافته است و هم از حیث مقداری و از نظر سهم در کل اعتبارات رشد محسوسی دیده می‌شود. نیم‌نگاهی به ارقام سال ۸۱ که از کتاب بودجه کشور اخذ شده، نشان می‌دهد که اعتبارات امور اجتماعی نسبت به سال ۷۷ حدود  $۶۰$  درصد افزایش داشته در حالی که سایر امور با کاهش اعتبارات تخصیصی روبرو بوده است. در واقع گرایش بودجه به سمت امور اجتماعی بوده و همانطور که در نمودار شماره ۲ نیز به نمایش گذاشته شده، سهم بودجه امور اجتماعی به تنهایی معادل  $۶۱$  درصد است.



### نمودار شماره (۲)

توزیع اعتبارات بر حسب امور

سال ۱۳۸۱

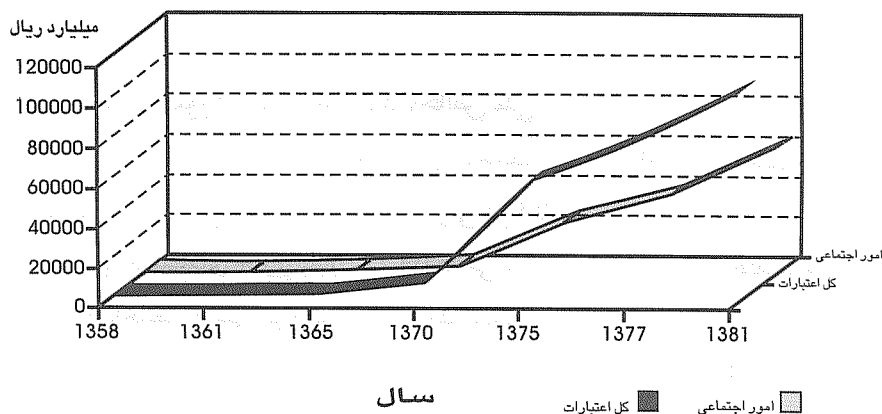


### برآورد اعتبارات امور اجتماعی از تولید ناخالص ملی

محصول ناخالص ملی (GNP) و تولید ناخالص داخلی (GDP) شاخص‌های کلان اقتصاد ملی به شمار می‌روند. در واقع، ارزش پولی کل کالاها و خدمات تولیدی در یک اقتصاد آن هم بر پایه قیمت‌های جاری بازار است [۳] که می‌تواند خروجی (ستانده) اقتصاد ملی تلقی شود. تولید ناخالص داخلی نیز برابر است با ارزش مجموع کالاها و خدماتی که در قلمرو داخلی کشور تولید می‌گردد. با این تعریف سهم اعتبارات امور اجتماعی از دو شاخص مطروحه - GDP و GNP - برابر داده‌های مندرج در جدول شماره دو طی دوران پس از انقلاب با نوسان رو به رو بوده و میانگین آن طی بیست سال اخیر برابر ۸/۸ درصد بوده است. بیشترین سهم اعتبارات از تولید ناخالص ملی مربوط به سال ۱۳۷۷ است که معادل ۱۲/۲ درصد بوده و کمترین سهم در سال ۱۳۶۶ برابر ۶/۵ درصد بوده است. به طور کلی قدر مطلق سهم اعتبارات

امور اجتماعی از GNP و GDP همواره روندی رو به رشد داشته اما افزایش آن اندک و محدود بوده است. به بیان دیگر، ضریب تغییرات در سنوات اخیر ناشی از افزایش بودجه تخصیصی امور اجتماعی است که نوسانات سهم آن را، از تولید ناخالص ملی و داخلی تبیین خواهد کرد. گر چه سهم اعتبارات امور اجتماعی از تولید ناخالص ملی قابل ملاحظه به نظر نمی‌رسد اما همین مقدار از اعتبارات به نحو مطلوبی هزینه نمی‌شود، پراکندگی و گسترش بخش امور اجتماعی و سازماندهی ناکارآمد، مانع از تخصیص بهینه اعتبارات شده که این معضل مسأله بهبود «رفاه عمومی» و حمایت از اقشار رو به تزاید آسیب‌پذیر را تقلیل خواهد داد.

نمودار شماره (۳)  
سهم اعتبارات امور اجتماعی از کل اعتبارات  
طی دوره (۸۱-۱۳۵۸)



### جدول شماره (۲)

سهم اعتبارات امور اجتماعی از تولید ناخالص ملی و تولید ناخالص داخلی طی دوره (۶۹-۱۳۵۸)

ارقام: (میلیارد ریال - درصد)

سال	۱۳۵۸	۱۳۵۹	۱۳۶۰	۱۳۶۱	۱۳۶۲	۱۳۶۳	۱۳۶۴	۱۳۶۵	۱۳۶۶	۱۳۶۷	۱۳۶۸	۱۳۶۹
تولید ناخالص ملی (GNP)	۶۲۱۷/۸	۶۶۵۸/۰	۸۰۴۲/۲	۱۰۵۳۹/۸	۱۳۳۶۹/۶	۱۴۷۹۲/۶	۱۵۷۴۱/۶	۱۶۲۰۸/۲	۱۹۹۰۹/۷	۲۲۱۸۷/۷	۲۷۵۷۵/۴	۳۶۳۸۱/۲
اعتبارات امور اجتماعی	۵۶۲/۳	۷۷۰/۶	۷۹۹/۹	۸۴۸/۵	۱۰۲۷/۴	۱۰۵۹/۲	۱۰۹۲/۲	۱۵۱۸/۹	۱۲۹۸/۸	۱۵۵۴/۲	۱۸۳۵/۱	۲۶۶۵/۲
سهم اعتبارات امور اجتماعی از GNP (درصد)	۹/۰	۱۱/۵	۹/۹	۸/۱	۷/۶	۶/۹	۶/۹	۹/۴	۶/۵	۷/۰	۶/۶	۷/۳
تولید ناخالص داخلی (GDP)	۶۱۶۳/۰	۶۶۳۲/۴	۸۰۰۹/۳	۱۰۵۳۹/۸	۱۳۳۳۶/۲	۱۴۸۰۳/۷	۱۵۷۷۵/۴	۱۶۲۲۶/۹	۱۹۹۴۹/۰	۲۲۳۰۴/۱	۲۷۷۸۷/۱	۳۶۶۴۴/۶
سهم اعتبارات امور اجتماعی از GDP (درصد)	۹/۱	۱۱/۶	۹/۹	۸/۱	۷/۷	۷/۱	۶/۹	۹/۴	۶/۵	۶/۹	۶/۶	۷/۲

ادامه جدول شماره (۲)

سال	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۷۳	۱۳۷۴	۱۳۷۵	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸	۱۳۷۹	۱۳۸۰
تولید ناخالص ملی (GNP)	۵۰۵۶۹/۹	۶۶۳۹۵/۹	۹۱۱۲۴/۶	۱۲۵۳۶۶/۶	۱۷۰۶۵/۶	۲۳۳۱۳۳/۵	۲۷۶۰۶۸/۹	۳۳۷۲۱۷	۴۲۶۴۳۳/۸	۵۷۹۲۸۵/۴	۶۳۱۸۷۴۳
اعتبارات امور اجتماعی	۴۴۵۵/۶	۵۲۰۷/۵	۹۱۱۲/۷	۱۱۰۵۸/۶	۱۴۵۵۵/۷	۲۶۵۱۰/۸	۳۳۳۳۳/۱	۳۹۹۵۴	۴۵۶۵۷/۱	۶۱۰۶۳	۷۳۳۱۸۰
سهام اعتبارات امور اجتماعی از GNP (درصد)	۸/۸	۷/۸	۱۰/۱۰	۸/۸	۸/۲	۱۱/۳	۱۲/۱۰	۱۲/۳	۱۰/۷	۱۰/۵	۱۱/۶
تولید ناخالص داخلی (GDP)	۵۰۱۰۷/۴	۶۶۴۶۲/۵	۹۳۶۰۹/۹	۱۲۸۳۸۱/۹	۱۸۴۱۸۵/۵	۲۳۹۰۵۳/۷	۲۸۱۰۷۴/۰	۳۱۷۰۸۴/۳	۴۲۶۳۶۷/۴	۵۸۲۰۵۰/۳	۶۳۱۲۴۳
سهام اعتبارات امور اجتماعی از GDP (درصد)	۸/۸	۷/۸	۹/۷	۸/۶	۷/۹	۱۱/۰	۱۱/۸	۱۲/۶	۱۰/۷	۱۰/۵	۱۱/۶

مأخذ: سازمان برنامه و بودجه (مجموعه اطلاعاتی، سری زمانی آمار حساب‌های ملی، پولی و مالی)، ۱۳۷۵ - گزارش اقتصادی سال طی سال‌های مختلف.

مرکز آمار ایران، سالنامه‌های آماری در سال‌های مختلف. - ارقام مربوط به سال ۸۰ برآورد می‌باشد.

### اعتبارات بهزیستی و تأمین اجتماعی

رفاه اجتماعی به معنای گسترده آن - که عبارت از برخورداری افراد جامعه از مواهب موجود است - همواره مورد توجه دولت‌ها و بنیادهای اجتماعی بوده است. اما خدمات رفاهی به ویژه برای گروه‌هایی که خود قادر به تأمین نیازمندی‌های خود نیستند، به طور معمول و به صورت سنتی توسط اقوام، همسایگان، اجتماعات محلی و مذهبی و بنیادهای نیکوکاری فردی یا سازمانی عرضه شده است. [۴]

همانطور که پیشتر نیز اشاره شد با پیدایش «توسعه اجتماعی» و روشن شدن نقش والای رفاه اجتماعی در حوزه توسعه، انجام وظایف رفاهی اولویت خاصی یافت. به طوری که در سیاست‌ها و هدف‌های توسعه، بهبود کیفیت زندگی و دسترسی به شاخص‌های رفاه اجتماعی به صورت یک وظیفه عمومی (ملی) قرار گرفت. دو مقوله «تأمین اجتماعی» و «بهزیستی» که مکمل یکدیگر بوده باید مسأله رفاه همگانی و بالا بردن سطح زندگی مردم را جزو اصلی فعالیت‌های خود قرار دهند.

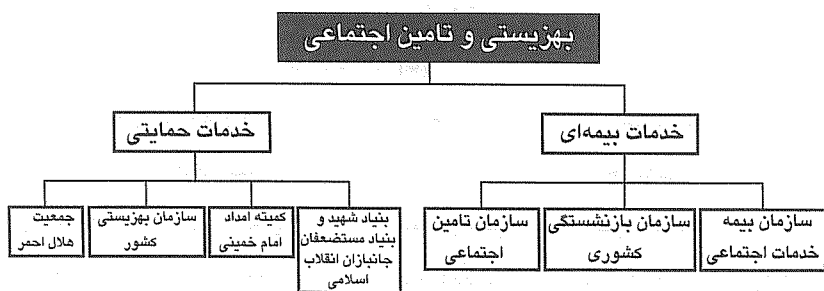
به طور کلی از «تأمین اجتماعی» (Social Security) به مثابه وسیله‌ای برای توزیع مجدد درآمدها در امر تأمین حمایت‌های لازم برای عموم مردم جامعه در برابر کلیه مخاطرات اقتصادی یاد می‌شود، و «بهزیستی» (Welfare) به مجموعه متشکلی از تدابیر، خدمات و فعالیت‌های غیر بیمه‌ای اطلاق می‌گردد که هدف آن تحقق بخشیدن به حفظ ارزش‌ها و کرامات والای انسانی و خودکفایی افراد و خانواده‌هایی است که به دلایل مختلف از نظر اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، جسمی یا ذهنی از روند پیشرفت و توسعه عقب افتاده و زندگی شخصی، خانوادگی و اجتماعی آنها مختل شده باشد. [۵]

با این تعاریف حد و مرز این دو بخش تا حدودی آشکار و حیطة کارکرد و فعالیت آنها نیز مشخص شد. این تفکیک پس از انقلاب در ارتباط با نظام تأمین اجتماعی در اصل ۲۹ قانون اساسی لحاظ شده است [۶] به بیان دیگر دیدگاه‌های مطرح، به دو صورت است: یکی بیمه‌ای که به طور عمده با مشارکت مردم انجام می‌گیرد، و دیگری غیر بیمه‌ای که از سوی دولت صورت می‌پذیرد.

به طور کلی، حوزه فعالیت بهزیستی و تأمین اجتماعی در نمودار شماره ۴ به تصویر کشیده شده است. همانطور که در نمودار عرضه شده کلیه خدمات به دو صورت خدمات بیمه‌ای (Insurance services) و خدمات حمایتی (Support services) ارائه می‌شود. در بخش خدمات بیمه‌ای سه سازمان مدیریت امور را بر عهده دارند، که خدمات مطروحه براساس مشارکت بیمه شده، کارفرما و دولت شکل می‌گیرد و گستره آن شامل بیمه درمان، بازنشستگی، از کارافتادگی، بیکاری، حوادث ناشی از کار، فوت، ایام بارداری و کمک هزینه عائله‌مندی است. در بخش خدمات حمایتی (غیر بیمه‌ای) مجموعه فعالیت‌های مددکاری، مشاوره و سایر خدمات اجتماعی و توانبخشی صورت می‌پذیرد که به منظور تأمین نیازهای گروه‌های کم درآمد و ارتقای سطح زندگی آن گروه از آسیب دیدگان جامعه، خانواده‌های شهدا، اسرا و مفقودین و جانبازان انجام می‌شود. با این وصف، گستره امور به گونه‌ای است که برای عرضه خدمات بیمه‌ای و غیر بیمه‌ای سازماندهی کارآمدی نیاز باشد تا ضمن پوشش همگانی، کیفیت فعالیت‌ها و میزان اثربخشی آنها را نیز در برگیرد. به این معنا، از یک سو منابع اعتباری بایستی پاسخگوی کلیه خدمات بوده و ظرفیت‌های موجود را ارتقا دهد و از سوی دیگر گروه‌های بهره‌گیر از خدمات تأمین اجتماعی و بهزیستی را به طور مطلوب پوشش دهد و روند بهبود رفاه همگانی را فراهم سازد.

#### نمودار شماره (۴)

#### حوزه فعالیت بهزیستی و تأمین اجتماعی



### جدول شماره (۳)

سهم اعتبارات بهزیستی و تأمین اجتماعی از اعتبارات امور اجتماعی طی دوره (۷۰-۱۳۵۸)

سال	امور اجتماعی (میلیارد ریال)	بهزیستی و تأمین اجتماعی (میلیارد ریال)	سهم بهزیستی و تأمین اجتماعی از کل اعتبارات امور اجتماعی (درصد)
۱۳۵۸	۵۶۲/۳	۷۰/۵	۱۲/۵
۱۳۵۹	۷۷۰/۶	۷۵/۲	۹/۸
۱۳۶۰	۷۹۹/۹	۱۰۱/۸	۱۲/۷
۱۳۶۱	۸۴۸/۵	۱۱۰/۳	۱۳/۰
۱۳۶۲	۱۰۲۷/۴	۱۹۰/۴	۱۸/۵
۱۳۶۳	۱۰۵۹/۲	۱۹۲/۷	۱۸/۲
۱۳۶۴	۱۰۹۲/۲	۲۰۴/۳	۱۸/۷
۱۳۶۵	۱۵۱۸/۹	۲۱۰/۹	۱۳/۸
۱۳۶۶	۱۲۹۸/۸	۲۵۶/۳	۱۹/۷
۱۳۶۷	۱۵۵۴/۲	۲۶۹/۷	۱۷/۳
۱۳۶۸	۱۸۳۵/۱	۳۱۱/۴	۱۶/۹
۱۳۶۹	۲۶۶۵/۲	۴۵۵/۴	۱۷/۱
۱۳۷۰	۴۴۵۵/۶	۵۸۵/۳	۱۶/۵

### ادامه جدول شماره (۳)

سال	امور اجتماعی (میلیارد ریال)	بهزیستی و تأمین اجتماعی (میلیارد ریال)	سهم بهزیستی و تأمین اجتماعی از کل اعتبارات امور اجتماعی (درصد)
۱۳۷۱	۵۲۰۷/۵	۷۷۴/۹	۱۴/۸
۱۳۷۲	۹۱۱۲/۷	۱۳۷۶/۳	۱۵/۱
۱۳۷۳	۱۱۰۵۸/۶	۱۶۱۶/۳	۱۴/۶
۱۳۷۴	۱۴۵۵۵/۷	۲۶۶۳/۱	۱۸/۲
۱۳۷۵	۲۶۵۱۰/۸	۷۳۸۰/۳	۲۷/۸
۱۳۷۶	۳۳۳۳۲/۱	۹۶۳۸/۰	۲۸/۹
۱۳۷۷	۳۹۹۵۴	۱۳۳۰۸/۷	۳۳/۳
۱۳۷۸	۴۵۶۵۷/۱	۱۵۷۸۰/۵	۳۴/۵
۱۳۷۹	۶۱۰۶۳	۲۲۶۲۹/۲	۳۷/۱
۱۳۸۰	۷۳۳۱۸/۰	۲۶۷۷۵/۱	۳۶/۵
۱۳۸۱	۶۳۹۱۰	۲۲۳۴۱/۰	۳۴/۹

مأخذ: سازمان برنامه و بودجه، کتاب بودجه کشور در سال‌های ۸۱-۸۰-۷۹

مرکز آمار ایران، سالنامه آماری کشور در سال‌های مختلف.

مروری بر ارقام موجود - مندرج در جدول شماره سه - حاکی از آن است که بخش بهزیستی و تأمین اجتماعی رفته رفته اهمیت پیدا کرده و بر سهم اعتبارات آن طی دو دهه اخیر، افزوده شده است. سهم اعتبارات بهزیستی و تأمین اجتماعی از کل اعتبارات امور اجتماعی در سال ۱۳۵۸ معادل ۱۲/۵ درصد (۷۰/۵ میلیارد ریال) بوده است و در اواخر دهه شصت سهم آن به ۱۷/۱ درصد افزایش پیدا کرده است، طی دهه هفتاد این سهم با نوسان روبه‌رو شده؛ به طوری که ابتدا در سال ۱۳۷۳ به ۱۴/۶ درصد تقلیل یافته و سرانجام در سال ۱۳۷۶، سهم اعتبارات



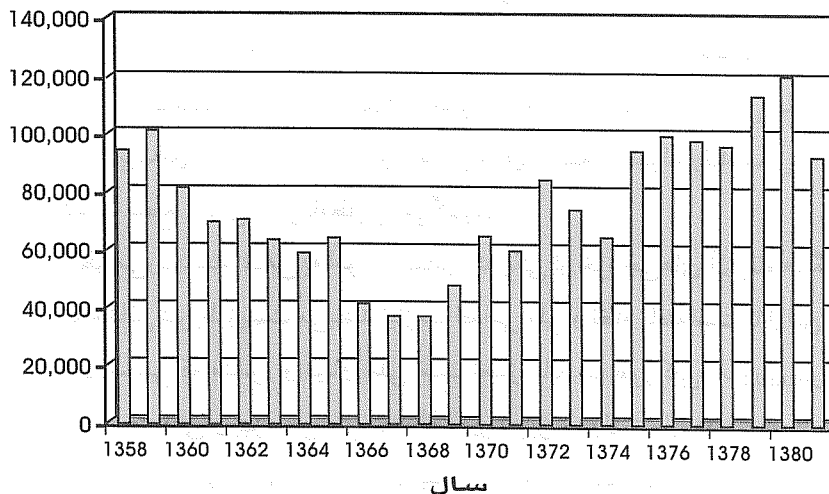
بهبودی و تأمین اجتماعی با ۲۸/۹ درصد نسبت به سال ۱۳۷۳ دو برابر شده و سپس در سال ۱۳۷۹ به مقدار ۳۷/۱ درصد یعنی بیشترین سهم طی دوره مورد بررسی، رسیده است. گرچه روند اعتبارات بهداشتی و تأمین اجتماعی افزایش یافته اما این مقدار از منابع مالی پاسخگوی معضلات رو به تزاید کشور نمی‌باشد. جمعیت انبوه زیر خط فقر، زیان‌های ناشی از جنگ هشت ساله، کثرت افراد معلول و جانباز، افراد ناتوان جسمی و ذهنی، پایین بودن سطح خدمات بیمه‌ای در اقشار تهیدست و محروم و غیره همه بر مقوله رفاه ملی و میزان گسترش کیفیت سطح زندگی تأثیر نامطلوبی می‌گذارد.

به نظر می‌رسد ساماندهی به امور اجتماعی که یکی از خروجی‌های آن رفاه همگانی و دسترسی به حداقل شرایط زیست می‌باشد نیازمند اقدامی ملی و نظام یافته است تا از این طریق اهداف قانون اساسی که منشور و میثاق ملی است تحقق یابد. به طور کلی، مروری بر ارقام مرتبط با امور اجتماعی و بهداشتی طی ۵ ساله اخیر (برابر جدول شماره ۳) نشان از نوعی حمایت از این امور را دارد، سهم اعتبارات بهداشتی رو به رشد گذاشته و دولت نیز در این خصوص گام‌های مهمی از نظر اعتباری برداشته است. اما مهمترین مسأله هدفمند سازی هزینه‌های امور اجتماعی و همچنین فصل بهداشتی و تأمین اجتماعی بوده که وظیفه نهادها و دستگاه‌های متولی را سنگین تر خواهد کرد.

### اعتبارات واقعی امور اجتماعی و بهداشتی و تأمین اجتماعی

برای این که تصویر واقعی از اعتبارات تخصیصی داشته باشیم، ضروری است که اعتبارات را به قیمت‌های ثابت قبول کرده و مدنظر قرار دهیم. برای این منظور از شاخص قیمت‌ها استفاده شده است. در ارتباط با اعتبارات امور اجتماعی سرانه اعتبارات با نوسان روبه‌رو بوده اما در مجموع حاکی از نوعی افزایش است. جدول شماره ۴، پاره‌ای از اطلاعات را گویا می‌سازد. سرانه اعتبارات امور اجتماعی در دهه شصت روندی کاهنده داشته به طوری که در سال ۱۳۶۸ مقدار آن از ۳۷/۳ هزار ریال فراتر نرفته است. اما این سرانه به رغم تورم و افزایش جمعیت روندی افزایشی داشته و در دهه هفتاد و آغاز دهه هشتاد می‌توان رشد آن را ملاحظه کرد.

نمودار شماره (۵)  
سرانه اعتبارات امور اجتماعی  
در سالهای ۱۳۵۸ - ۱۳۸۱



سرانه اعتبارات اجتماعی در سال ۱۳۷۹ بالغ بر ۱۰۰/۶ هزار ریال بوده و در سال ۱۳۸۰ از مرز ۱۲۱ هزار ریال گذشته است. گرچه این افزایش چشمگیر است اما سرانه اعتبارات کماکان بسیار ناچیز می‌نماید و در واقع لحاظ نمودن شاخص عمومی قیمت‌ها و کالاها مقوله افزایش اعتبارات امور اجتماعی را تعدیل خواهد کرد و نوعی حمایت را الزامی خواهد ساخت کما اینکه سرانه اعتبارات بهزیستی و تأمین اجتماعی طی دوره مورد بررسی به رغم نوسانات معمول در سال ۱۳۸۱ رقمی معادل ۳۲/۷ هزار ریال بوده است. این رقم در سال‌های گذشته نیز قابل ملاحظه نبوده و نیاز به حمایت مجدد از این بخش الزامی خواهد بود. سهم ناچیز اعتبارات و سرانه آن (با توجه به تعدیل قیمت‌ها) در امور اجتماعی به طور عام و امور بهزیستی و تأمین اجتماعی به طور خاص ایجاب خواهد کرد، حمایت‌های مالی و اعتباری با برنامه‌های خاصی مورد توجه قرار گیرد تا این بخش نسبت به سقف انتظارات و پوشش‌های اولیه گام‌های موثری بردارد.

### جدول شماره (۴)

اعتبارات امور اجتماعی به قیمت‌های ثابت و سرانه آن طی سالهای (۷۰-۱۳۵۸) (۱۰۰=۱۳۶۹)

سال	سرانه اعتبارات اجتماعی	جمعیت به هزار نفر	اعتبارات به قیمت ثابت	شاخص قیمت	اعتبارات به قیمت جاری
۱۳۵۸	۹۴۸۷۷	۳۷۹۹۱	۳۶۰۴/۴۹	۱۵/۶	۵۶۲/۳
۱۳۵۹	۱۰۱۱۷۴	۳۹۴۶۴	۳۹۹۲/۷۵	۱۹/۳	۷۷۰/۶
۱۳۶۰	۸۱۸۷۸	۴۱۲۲۱	۳۳۷۵/۱۱	۲۳/۷	۷۹۹/۹
۱۳۶۱	۷۰۰۵۲	۴۲۸۰۰	۲۹۹۸/۲۳	۲۸/۳	۸۴۸/۵
۱۳۶۲	۷۰۰۵۲	۴۴۴۳۸	۳۱۶۱/۲۳	۳۲/۵	۱۰۲۷/۴
۱۳۶۳	۶۲۸۶۰	۴۶۲۰۱	۲۹۵۰/۴۲	۳۵/۹	۱۰۵۹/۲
۱۳۶۴	۵۹۴۹۵	۴۷۸۰۷	۲۸۱۴/۲۷	۲۸/۴	۱۰۹۲/۲
۱۳۶۵	۶۴۷۷۹	۴۹۳۶۳	۳۱۹۷/۶۸	۴۷/۵	۱۵۱۸/۹
۱۳۶۶	۴۲۰۲۸	۵۰۹۹۵	۲۱۴۳/۲۳	۶۰/۶	۱۲۹۸/۸
۱۳۶۷	۳۸۰۲۳	۵۲۲۷۰	۱۹۸۷/۴۷	۷۸/۲	۱۵۵۴/۲
۱۳۶۸	۳۷۳۱۱	۵۳۵۷۷	۱۹۹۹/۰۲	۹۱/۸	۱۸۳۵/۱
۱۳۶۹	۴۸۵۳۲	۵۴/۹۱۶	۲۶۶۵/۲۰	۱۰۰	۲۶۶۵/۲
۱۳۷۰	۶۵۵۸۱	۵۶۲۸۹	۳۶۹۱/۴۷	۱۲۰/۷	۴۴۵۵/۶

ادامه جدول شماره (۴)

سال	سرانه اعتبارات اجتماعی	جمعیت به هزار نفر	اعتبارات به قیمت ثابت	شاخص قیمت	اعتبارات به قیمت جاری
۱۳۷۱	۶۰۷۲۴	۵۷۱۳۳	۳۴۶۹/۳۵	۱۵۰/۱	۵۲۰۷/۵
۱۳۷۲	۸۵۲۱۸	۵۷۹۹۰	۴۹۴۱/۸۱	۱۸۴/۴	۹۱۱۲/۷
۱۳۷۳	۷۵۳۶۳	۵۸۸۶۰	۴۴۳۵/۸۶	۲۴۹/۳	۱۱۰۵۸/۶
۱۳۷۴	۶۵۴۲۴	۵۹۷۴۳	۳۹۰۸/۶۲	۳۷۲/۴	۱۴۵۵۵/۷
۱۳۷۵	۹۵۲۹۰	۶۰۶۳۹	۵۷۷۸/۲۹	۴۵۸/۸	۲۶۵۱۰/۸
۱۳۷۶	۱۰۰۶۲۴	۶۱/۵۴۹	۶۱۹۳/۲۶	۵۳۸/۲	۳۳۳۳۲/۱
۱۳۷۷	۹۹۰۶۳	۶۲۴۷۲	۶۱۸۸/۶۶	۶۴۵/۶	۳۰۰۵۱/۰
۱۳۷۸	۹۶۹۸۳	۶۳۴۰۹	۶۱۴۹/۶۰	۷۴۲/۴	۴۵۶۵۷/۱
۱۳۷۹	۱۱۴۶۱۱	۶۴۳۶۰	۷۳۷۶/۳۶	۸۲۷/۸	۶۱۰۶۳/۰
۱۳۸۰	۱۲۱۰۵۲	۶۵۳۲۶	۷۹۰۷/۸۱	۹۲۷/۲	۷۳۳۱۸/۰
۱۳۸۱	۹۳۶۵۷	۶۶۳۰۵	۶۲۱۰/۰۰	۱۰۲۹/۱	۶۳۹۱۰/۰

شاخص قیمت از سال ۷۸ به بعد برآوردی می‌باشد.

مأخذ: مرکز آمار ایران، سالنامه آماری کشور در سال‌های مختلف

سازمان برنامه و بودجه، کتاب بودجه کشور در سال‌های ۷۹، ۸۰، ۱۳۸۱.

### جدول شماره (۵)

اعتبارات بهزیستی و تأمین اجتماعی به قیمت‌های ثابت و سرانه آن طی سالهای (۷۵-۱۳۵۸)

(۱۰۰=۱۳۶۹)

سال	سرانه اعتبارات بهزیستی	سهم بخش از کل اعتبارات	اعتبارات به قیمت ثابت	شاخص قیمت	اعتبارات به قیمت جاری
۱۳۵۸	۱۱۸۹۶	%۱۲/۵	۴۵۱/۹۲	۱۵/۶	۷۰/۵
۱۳۵۹	۹/۸۷۳	%۹/۸	۳۸۹/۶۴	۱۹/۳	۷۵/۲
۱۳۶۰	۱۰/۴۲۰	%۱۲/۷	۴۲۹/۵۴	۲۳/۷	۱۰۱/۸
۱۳۶۱	۹۱۰۶	%۱۳/۰	۳۸۹/۷۵	۲۸/۳	۱۱۰/۳
۱۳۶۲	۱۳۱۸۳	%۱۸/۵	۵۸۵/۸۵	۳۲/۵	۱۹۰/۴
۱۳۶۳	۱۱۶۱۸	%۱۸/۲	۵۳۶/۷۷	۳۵/۹	۱۹۲/۷
۱۳۶۴	۱۱۱۲۹	%۱۸/۷	۵۳۲/۰۳	۳۸/۴	۲۰۴/۳
۱۳۶۵	۸۹۹۵	%۱۳/۹	۴۴۴/۰۰	۴۷/۵	۲۱۰/۹
۱۳۶۶	۸۲۹۴	%۱۹/۷	۴۲۲/۹۴	۶۰/۶	۲۵۶/۳
۱۳۶۷	۶۵۹۸	%۱۷/۴	۳۴۴/۸۸	۷۸/۲	۲۶۹/۷
۱۳۶۸	۶۳۳۱	%۱۷/۰	۳۳۹/۲۲	۹۱/۸	۳۱۱/۴
۱۳۶۹	۸/۲۹۳	%۱۷/۱	۴۵۵/۴۰	۱۰۰	۴۵۵/۴
۱۳۷۰	۸۶۱۵	%۱۳/۱	۴۸۴/۹۲	۱۲۰/۷	۵۸۵/۳
۱۳۷۱	۹۰۳۶	%۱۴/۹	۵۱۶/۲۶	۱۵۰/۱	۷۷۴/۹
۱۳۷۲	۱۲۸۷۱	%۱۵/۱	۷۴۶/۳۷	۱۸۴/۴	۱۳۷۶/۳
۱۳۷۳	۱۲۸۷۱	%۱۵/۱	۷۴۶/۳۷	۱۸۴/۴	۱۳۷۶/۳
۱۳۷۴	۱۱۹۷۰	%۱۸/۳	۷۱۵/۱۲	۳۷۲/۴	۲۶۶۳/۱
۱۳۷۵	۲۶۴۲۸	%۲۷/۸	۱۶۰۸/۶۱	۴۵۸/۸	۷۳۸۰/۳

### ادامه جدول شماره (۵)

سال	سرنانه اعتبارات بهزیستی	سهم بخش از کل اعتبارات	اعتبارات به قیمت ثابت	شاخص قیمت	اعتبارات به قیمت جاری
۱۳۷۶	۲۹۰۹۵	٪۲۸/۹	۱۷۹۰/۷۸	۵۳۸/۲	۹۶۳۸/۰
۱۳۷۷	۳۲۹۹۸	٪۳۳/۳	۲۰۶۱/۴۵	۶۴۵/۶	۱۳/۳۰۸/۷
۱۳۷۸	۳۳۵۲۰	٪۳۴/۶	۲۱۲۵/۴۹	۷۴۲/۴	۱۵۷۸۰/۵
۱۳۷۹	۴۲۴۷۳	٪۳۷/۱	۲۷۳۳/۵۹	۸۲۷/۸	۲۲۶۲۹/۲
۱۳۸۰	۴۴۲۰۷	٪۳۶/۵	۲۸۸۷/۸۶	۹۲۷/۲	۲۶۷۷۵/۱
۱۳۸۱	۳۳۷۴۰	٪۳۵/۰	۲۱۷۰/۸۳	۱۰۲۹/۱	۲۲۳۴۱/۰

شاخص قیمت از سال ۷۸ به بعد برآوردی می‌باشد.

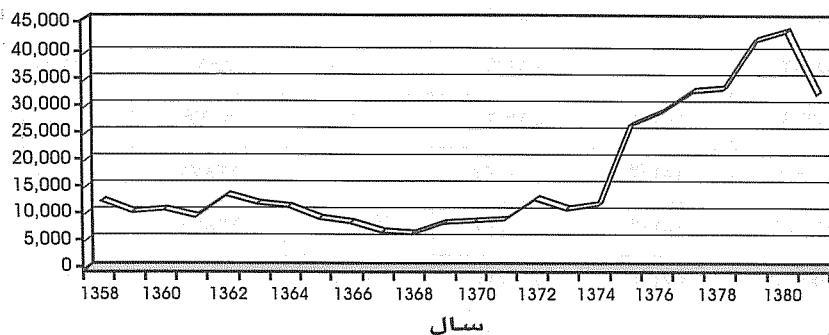
مأخذ: مرکز آمار ایران، سالنامه آماری کشور در سال‌های مختلف

سازمان برنامه و بودجه، کتاب بودجه کشور در سال‌های ۷۹، ۸۰، ۱۳۸۱.

### نمودار شماره (۶)

سرنانه اعتبارات بخش بهزیستی و تأمین اجتماعی

در سالهای ۱۳۵۸ - ۱۳۸۱



## نتیجه گیری:

بهبود کیفیت سطح زندگی از دیرباز مورد توجه دولتمردان بوده و اهمیت شاخص‌های اجتماعی در کنار شاخص‌های اقتصادی براساس همین ضرورت بوجود آمده است. شکاف بین این شاخص‌ها در کشورهای توسعه یافته چه از نظر تعدد و یا از حیث تنوع با جوامع در حال توسعه بسیار گسترده و عمیق می‌باشد. در واقع رویکرد آن‌ها به زندگی و نحوه ارتقاء کیفیت آن بسیار متفاوت از کشورهای رو به توسعه و توسعه نیافته است. در ایران نیز طی سه دهه اخیر به مقوله «رفاه عمومی» و پیروی از شاخص‌های جهانی توجه شده اما «فقر گسترده»، «جمعیت قابل ملاحظه زیر خط فقر»، «جنگ هشت ساله»، «بیکاری گسترده»، «گسترش جمعیت کشور» و غیره همگی مانع بهبود نسبی سطح زندگی و رفاه همگانی شده است. در این بین، دولت تلاش‌های گسترده‌ای برای کاهش فقر نموده اما مشکلات و نابسامانی‌های موجود به گونه‌ای بوده که امکان دستیابی به شاخص‌های «توسعه انسانی» و ارتقاء کیفیت زیستی محدود می‌باشد.

در شرایط کنونی سرانه اعتبار بهداشتی و تأمین اجتماعی هر فرد ایرانی در سال ۱۳۸۱ از ۴ دلار فراتر نمی‌رود. این حداقل سهم پاسخگوی نیاز خدمات اجتماعی و بهداشتی ساکنان این سرزمین نخواهد بود؛ از سویی سرانه اعتبارات امور اجتماعی نیز در حد اندکی است و مقدار آن در سال ۱۳۸۱ معادل ۹۳۶۵۷ ریال می‌باشد.

علاوه بر تنگنای منابع مالی، تعدد مراکز، مؤسسات، دستگاه‌های مرتبط امور خدمات اجتماعی که در راستای بهداشتی آحاد کشور فعالیت دارند نوعی چندگانگی مشاهده می‌شود و نبود مدیریت واحد و کارآمد مقوله رفاه عمومی و بهبود کیفیت آن را با مخاطره روبه‌رو می‌سازد.

تجدید نظر در ساختار امور مرتبط با فعالیت‌های اجتماعی و همگن‌سازی مؤلفه‌های تعیین‌کننده در فعالیت‌های مربوط به رفاه اجتماعی یکی از اولویت‌هایی است که مسئولان باید نسبت به آن حساسیت به خرج دهند تا گستره فقر و نداری تقلیل پیدا کند. تحلیل عملکردهای سازمان‌های فعال در امور بهداشتی و تأمین اجتماعی کمک خواهد کرد روند موجود و چشم انداز آن را بهتر تبیین کنیم و سیاست‌ها و برنامه‌های ملی را به نقطه روشنی هدایت نماییم تا شاخص «امید به زندگی» و «توسعه انسانی» به سطح مطلوبی ارتقاء یابد.

- ۱- ستاری فر، محمد، روزنامه همشهری، ۱۳/۵/۱۳۸۱.
- ۲- فرهنگ، منوچهر، فرهنگ علوم اقتصادی، تهران، انتشارات آزاده، ۱۳۶۳.
- ۳- سازمان برنامه و بودجه، شاخص‌های اجتماعی ایران ۱۳۵۷، تهران ۱۳۵۷.
- ۴- قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، تهران، انتشارات سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۶۸.
- ۵- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
- ۶- مرکز آمار ایران، سالنامه آماری کشور در سال‌های مختلف
- ۷- سازمان برنامه و بودجه، مجموعه اطلاعاتی، سری زمانی آمار حسابهای ملی، پولی، مالی، ۱۳۷۵.
- ۸- سازمان برنامه و بودجه، قانون و لوایح بودجه کشور در سالهای ۷۹، ۸۰ و ۸۱.
- 9- Organization for Economic Cooperation and Development, Measuring Social well-Being: A Progress Report on the Development of Social Indicators; Paris: OECD, 1976.